

دکتر امید طبیب زاده

ظرفیت فعل

و ساختهای بنیادین جمله در فارسی امروز

پژوهشی بر اساس نظریه‌ی دستور وابستگی



فهرست

۹	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۲۳	فصل ۱- دربارهٔ دستور وابستگی
۲۳	۱.۱. تاریخچهٔ دستور وابستگی
۲۵	۲.۱. ظرفیت نحوی
۲۶	۳.۱. متممها و غیرمتممها
۳۱	۴.۱. راه‌های تمایز نهادن میان متممها و غیرمتممها
۳۵	۵.۱. جابه‌جاپذیری متممها
۳۷	۶.۱. ظرفیت معنایی
۳۸	۷.۱. نمایش ساخت ظرفیت نحوی
۴۰	۸.۱. تجزیه جمله در دستور وابستگی
۴۴	۹.۱. ساختهای بنیادین جمله
۴۷	۱۰.۱. دستور وابستگی و واژگان
۵۱	فصل ۲- تحقیقات پیشین
۵۱	۱.۲. سیامک مهاجر قمی (۱۹۷۸)
۵۳	۲.۲. امید طبیب‌زاده (۱۳۸۰)
۵۶	۳.۲. شهرام احدی (۲۰۰۱)
۶۷	فصل ۳- فعل
۶۸	۱.۳. فعل به عنوان مقوله‌ای نحوی

۲.۳. انواع فعل از حیث ساختاری ۸۳

فصل ۴- متممهای فعل در فارسی

۹۵	۱.۴. فاعل
۹۶	۲.۴. مفعول
۱۰۵	۳.۴. مفعول حرف اضافه‌ای
۱۲۴	۴.۴. مفعول نشانه‌ اضافه‌ای
۱۳۱	۵.۴. بند متممی
۱۴۲	۶.۴. مسند
۱۶۸	۷.۴. تمیز
۱۷۸	۸.۴. متمم قیدی

فصل ۵- جمله‌های بدون فعل

۱۹۷	۱.۵. جمله‌های اسمی
۱۹۷	۲.۵. شبه‌جمله‌ها
۱۹۸	۳.۵. اصوات

فصل ۶- ساختهای ظرفیتی فعل

۲۰۰	۱.۷. ساختهای بنیادین تک‌ظرفیتی
۲۰۵	۲.۷. ساختهای بنیادین دوظرفیتی
۲۰۹	۳.۸. ساختهای بنیادین سه‌ظرفیتی
۲۰۹	۴.۸. ساختهای بنیادین چهارظرفیتی

فصل ۸- تحلیل ۲۰۰ جمله، و استخراج ساختهای بنیادین آنها

۲۱۵	فهرست مأخذ
۲۸۹	

پیشگفتار

غالباً وقتی که کار تألیف کتابی به پایان می‌رسد، مؤلف تازه متوجه می‌شود حرفهایی باقی مانده است - اتمام حجتی، درد دلی، شکرانه‌ای - که باید در جایی به جز مقدمه و متن آورده شود، و جالب است که جای این آخرین حرفها، باید در سرآغاز کتاب باشد! این حرفها لزوماً مشکلی از کار خواننده در درک مفاد کتاب نمی‌گشاید، یعنی خواننده می‌تواند آنها را ناخوانده رها کند و به اصل مطلب بپردازد، اما در هر حال ذکرشان بر نویسنده واجب است. هفت سالی می‌شود که بار این کتاب را بر دوش می‌کشم، و اگر ترس از نیستی و ناتوانی نبود، ترجیح می‌دادم که دست‌کم ده سال دیگر هم روی آن کار کنم. و البته وسواس و کمال‌گرایی و توهم جاودانه بودن غالباً بیش از آنکه به خلق اثر ارزشمندی بینجامد، مانع از تولید هر کاری می‌شود. این شد که ترجیح دادم کار را تمام کنم و گرفتار این اندیشه خطا نباشم که در کار پژوهش مقصدی نهایی در کار است، یا من تنها کسی هستم که می‌توانم به مقصد نهایی برسم. در هر حال، در راهی که دیگران پیموده بودند، به راه افتادم، و چون راه ناهموار شد کوشیدم که هموارش کنم و راهی تازه بگشایم و آن را پیش‌تر ببرم. حال تنها امیدم این است که این راه تازه، مستعد اصلاح و ادامه یافتن و پیش‌تر رفتن بوده باشد.

این کتاب را دو بار نوشتم. نسخه‌ای از دست‌نویس روایت اول را استاد ابوالحسن نجفی به دقت بسیار خواند و یادداشتهای مفصلی بر آن نگاشت. این یادداشتهای باعث شد که نیمی از حجم کتاب کاسته شود و تغییراتی بنیادین در اصول و ساختار آن پدید آید؛ بخشی از این یادداشتهای را عیناً و به صورت پانویس آورده‌ام. همان نسخه را دوست عزیزم، دکتر علاءالدین طباطبایی نیز به دقت مطالعه کرد و در آن، هم بر مطالب و هم بر حواشی استاد، یادداشتهایی نوشت. از رهگذر آن یادداشتهای، آن نسخه مبدل به مجمعی خواندنی و دل‌پذیر شد، و من امیدوارم که توانسته باشم لاقلاً بخشی از آن را در این کتاب منعکس کرده باشم.

از جمله عواملی که مانع از پیشرفت کارم می‌شد، یکی تردیدم در تعیین حدود و ثغور افعال مرکب بود، و یکی هم بلا تکلیفیم در مورد ترکیباتی چون «امید بودن، ضروری بودن، لازم بودن، یقین بودن». در مورد افعال مرکب، راه دکتر خانلری (۱۳۵۶) و دکتر طباطبایی (۱۳۸۴) را برگزیدم، و در مورد ترکیبات فوق نیز در نهایت به این نتیجه رسیدم که راه مرحوم خانلری (۱۳۶۵، ۲۵۴) و استاد دکتر علی اشرف صادقی (۱۳۵۹، ۸۶) از هر راه دیگری اقتصادی‌تر است. این همه، خود به وضع چند مفهوم جدید مانند افعال غیرشخصی با فاعل محذوف (۴. ۲. ۱)، افعال غیرشخصی با فاعل صفر (۴. ۲. ۱)، افعال ربطی مرکب (۳. ۲. ۳) و ساخته‌های سببی بدل از ساخته‌های اسنادی (۳. ۱. ۳)، ذیل (۵) انجامید. این مفاهیم در تحلیل جملات واقعی و گوناگون زبان، که نمونه‌ای از آن را در فصل هشتم آورده‌ام، فایده و اهمیت خود را به خوبی نمایش می‌دهند، اما صادقانه می‌گویم که هنوز هم تردید دارم که آیا این مفاهیم را از دل زبان کشف کرده‌ام یا از خود ابداع کرده‌ام! ظاهراً تقسیمات و مرزبندیهای من عندی در کار تحلیل نحوی زبان نباید جایی داشته باشد، اما واقعیت

این است که در عمل، و مخصوصاً زمانی که دستور را نه برای دستور، بلکه برای اهداف عملی همچون آموزش یا پردازش زبان می‌نویسیم، گاه ناچار می‌شویم دست به وضع قراردادهایی بزنیم، یا از بین چند تحلیل متفاوت، که هیچ‌کدام هم مشخصاً غلط نیست، یکی را که اقتصادی‌تر است یا بهتر از بقیه با اهدافمان سازگاری دارد، برگزینیم.

در کلاس استدلالهای نحوی از استاد دکتر محمد دبیر مقدم آموختم که از نشانه‌های قوت هر استدلال نحوی، یکی این است که آن استدلال کار تحلیل را در حوزه‌های دیگر نحو تسهیل کند؛ این بدان معناست که چون زبان را در مقام یک سیستم یا نظام در نظر می‌گیریم، لاجرم تحلیل بخشی از نحو را خودبه‌خود به بخشهای دیگر آن مرتبط ساخته‌ایم. در تدوین این کتاب بارها به این نکته برخوردیم: هرگاه تغییری در جزئی از مباحث دادم، دیدم که این تغییر غالباً منجر به تغییراتی در کل مباحث می‌شود. از این رو، اظهار نظر کامل‌تر درباره‌ی وابسته‌های فعل، منوط به زمانی خواهد بود که وابسته‌های اسم و صفت را نیز توصیف کرده باشیم؛ و البته این بحث خارج از حوصله کتاب حاضر بوده است. شاید با توصیف وابسته‌های اسم و صفت، ناچار به ایجاد تغییراتی در برخی طبقه‌بندیها و توصیفهای مربوط به وابسته‌های فعل نیز باشیم، اما قدر مسلم این است که نخستین گام در تحلیل نحوی، از دیدگاه دستور وابستگی، با توصیف وابسته‌های فعل و تحلیل جمله آغاز می‌شود.

بسیاری از مطالب این کتاب حاصل بحثهای طولانی و پرتفصیلی است که با استادان و دوستانم داشته‌ام. در اینجا لازم می‌دانم مخصوصاً از دوست عزیزم آقای دکتر محمد راسخ مهند یاد کنم که بارها و هر بار ساعتها با هم درباره‌ی مباحث گوناگون این کتاب بحث کردیم، و از این بحثها نکات بسیاری بر من روشن شد.